

# دانشگاه مرمیت



## محسن پیرامون، از نخستین مرمتگران آثار موزه ای ایران

### MOHSEN PERAMON FIRST GENERATION OF CONSERVATOR HISTORICAL OBJECTS IN IRAN

By: Mehdi Razani

#### مهدی رازانی

دانشجوی کارشناسی ارشد آثار مرمت آثار تاریخی و فرهنگی،  
دانشگاه هنر اصفهان

E.Mail:mehdi\_razani@yahoo.com

#### پیش نگاه

های باستان شناسی و هم تعمیرات موزه ای آثار در نیمه ی نخست قرن حاضر نقش مهمی داشتند، می توان به «محسن پیرامون» اشاره کرد. نوشته ای که خواهید خواند متن مصاحبه با محسن پیرامون به سال ۱۳۴۷ ه.ش در مجله ی هنر و مردم<sup>۱</sup> است؛ یعنی زمانی که حدود دو سال از تأسیس اداره ی حفاظت از آثار باستانی گذشته است. شاید انتشار دوباره ی این مصاحبه به عنوان مدرکی ارزشمند در بررسی تاریخ مرمت موزه ای ایران، بتواند در پیگیری تاریخچه ی مرمت های ایران بسیار مفید باشد. به علاوه در جواب های پیرامون، نکات قابل توجهی بیان شده که نشان از برخورد تقریباً علمی او با اشیاء تاریخی دارد. این امر ارزش این مصاحبه را دو چند می کند. به غیر از این مصاحبه در کتاب «مروری بر ۵۰ سال باستان شناسی در ایران» اثر دکتر عزت الله نگهبان نیز از وی نام برده شده است، به نحوی که در هنگام معرفی اعضای سازمان اداره ی باستان شناسی و موزه ی ایران باستان، دکتر نگهبان از موسی پیرامون (کارشناس و ارزیاب رسمی باستان شناسی و استاد وصالی<sup>۲</sup>) و محسن پیرامون (شیمیدان، وصال و تعمیر کننده ی عتیقه جات مختلف هم چنین متصدی تعمیر فلزات) نام می برد که در اوایل تأسیس موزه ایران باستان در آن جا مشغول به کار بوده اند. (نگهبان، ۱۳۷۶، ص ۶۶) لازم به ذکر است این مصاحبه در حدود ۶۰ سالگی پیرامون و هم زمان با آغاز مرمت های علمی ایران

تاریخچه ی مرمت میراث فرهنگی در ایران از نظر سنتی و علمی به غیر از معدود نوشته هایی پراکنده<sup>۱</sup> تقریباً هیچ گاه به صورت جدی مورد بررسی قرار نگرفته است، در همین راستا از تاریخچه ی مرمت اشیاء موزه ای نیز اطلاعات چندانی در دست نیست. به نحوی که به صورت مشخص مراکز، کارگاه ها و مرمتگران گذشته ی موزه ها شناسایی نشده و مرمتگران میراث فرهنگی همیشه در کنار ارزش ها و جذابیت های آثار تاریخی آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته اند. در یک نگاه کلی شاید بتوان گفت، تعمیرات اشیاء تاریخی در ایران از زمان درک ارزش های فرهنگی، تاریخی و مادی آن ها بوده است و به نظر می رسد، نخستین تعمیرات را باستان شناسان در حفاری ها و دلالات عتیقه انجام داده اند؛ در حفاری باستان-شناسی عموماً افرادی که نسبت به دیگران از صبر و حوصله و دقت بیشتری در وصالی برخوردار بوده اند و به اقداماتی از قبیل مستندنگاری و طراحی آثار تسلط بیشتری داشته اند<sup>۲</sup>. به این کار مشغول می شده اند. دلالات عتیقه نیز تعمیرات را با حداکثر توانایی در جعل و پیرسازی اشیاء به کار می گرفته اند تا آثارشان را به قیمت بیشتری بفروشند. اطلاعات ما از نخستین مرمتگران آثار و اشیاء موزه ای ایران بسیار کم است و برای شناسایی این اشخاص که به گونه ای تاریخ مرمت ایران با آن ها در ارتباط است به تحقیقات بسیاری نیاز است<sup>۳</sup>. از جمله کسانی که هم در مبحث تعمیر آثار در کاوش



و ارزیاب موزه ایران باستان، یکی از این معدود خبرگان است. این گفت و شنودی است با او پیرامون کارش، زندگی‌اش و انگیزه‌هایی که به گام نهادن در این راه وسوسه اش کرد.

او از مینیاتور و نقاشی شروع کرد و به دنیای عتیقه و آثار باستانی کشیده شد. نخست کارش تقلیدی از استادان مینیاتور و نقاشان کلاسیک و طبیعت‌گرا بود. در حالی که به تحصیلات قدیمی اشتغال داشت، در پیچه ذوق و هنرش را به باغستان نقش و نگار و رنگ گشوده بود، اما یک باره به آن چه دوست داشت پشت کرد و راه تازه‌ای پیش گرفت. در این باره خودش می‌گوید: «پیرامون» بزرگ<sup>۷</sup>، تنها متخصص ترمیم و احیای آثار باستانی و اشیاء عتیقه، دائمی من بود. او معجزه می‌کرد. آثار رو به زوال و عتیقه‌های صدپاره و از دست رفته را طوری دوباره سازی و زنده می‌کرد که حیرت‌آور بود. من از سیزده، چهارده سالگی (یعنی حدود سال ۱۳۰۰) در کنار او با رموز و فنون کارش آشنا شدم. عتیقه‌ها مرا جلب کردند. این آثار به دنیای مردگان تعلق داشت، دنیایی که ما فقط افسانه‌هایی از آن می‌دانیم. همین کشش و جذب بود که من دست از نقاشی کشیدم و به کار تازه رو کردم.

ت.۱- محسن پیرامون مقدم در کارگاه وصالی ظروف سفالین موزه ایران باستان هنگام کار با حضور هیئت ایزمئو و چاپ مقالات دکتر جاوید فیوضات<sup>۶</sup> در مجله هنر و مردم انتشار یافته است.

\* \* \*

«آن چه از زیر کلنگ باستان شناسان در حفاری‌ها و کاوش‌ها بیرون کشیده می‌شود، روشن‌گر زوایا و فضاهایی از زندگی و تمدن نسل‌های گذشته است. ما ریشه‌ها و سرچشمه‌های تمدن و فرهنگ و هنر و تجربه و اندیشه امروز را در این آثار و بازمانده‌های کهن می‌یابیم و بدین سان در شناخت «امروز» و بهره‌گیری از «گذشته» مجهزتر و مهیاتر می‌شویم. این ظرف‌های سفالی، این پیکره‌های شکسته و خاک خورده، این ظروف و آثار کهنه و زنگ زده، که در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آید، با همه ظاهر ناچیزشان، دنیایی در خود نهفته دارند، دنیایی پر از راز زندگی و حقیقت و افسانه. چنین است که این بازیافته‌های قدیمی را میراث‌های ملی و تاریخی می‌دانیم - اما این میراث‌ها اغلب زیر بار قرون و اعصار شکسته و خاک شده و آن چه هم که مانده، آسیب و خدشه فراوان دیده است. ترمیم و احیای این آثار بی‌آنکه به اصالت آن لطمه وارد آید کار انگشت شماران خبره‌ای است که عمری را در این راه صرف کرده‌اند. محسن پیرامون کارشناس

## پیرامون ادامه می دهد:

از آن روز حدود ۴۷ سال می گذرد و در این مدت من نزدیک به ۱۰۰۰ عتیقه و اثر باستانی را ترمیم و احیا کرده ام. این آثار شامل آثار مفرغی، پارچه ای، شیشه ای، سفالی و سنگی است. بعضی فقط به نظافت احتیاج داشتند، اما اغلب آن ها در هم شکسته و معیوب بودند و ناگزیر قسمت های از بین رفته را دوباره سازی کردم و با نقش و نقاشی اصل خودش احیا نمودم. این آثار اینک نه تنها در موزه های کشور، بلکه در بسیاری از موزه های جهان وجود دارد.

– آیا ضابطه خاصی برای تمیز و تشخیص آثار هر دوره تاریخی وجود دارد؟ منظور این است که بدون شناخت کلی نحوه زندگی و ابزار و عادات و رسوم مردم هر دوره از تاریخ، نوسازی و دوباره سازی آثار مکشوفه خاص آن دوره، ممکن نیست. شما بر اساس چه معیار و اصولی دوره ای را که یک اثر تاریخی یا عتیقه متعلق به آن است معلوم می کنید؟

صرف نظر از مطالعه و تحقیق، معلومات من نتیجه تجربه است. دوران طولانی کار، شرکت در کاوش های فراوان و سر و کار داشتن با ابزار و وسایل مکشوفه دوران های مختلف، یک جور غریزه در من ایجاد کرده است، غریزه ای که با دیدن هر پدیده، قدمت و خصوصیت آن را می شناسد. اما مسأله مهم تر این است که زندگی اجداد ما در سیر تاریخ مراحل مختلف و کاملاً جداگانه ای دارد. در هر دوره ابزار خانگی و وسایل آرایش و زینت، سلاح های جنگی، ابزار معماری، سنگ تراشی، ستون ها و سرستون ها، به طرز خاصی ساخته می شد. از روی همین خصوصیات است که نه تنها قدمت اشیاء یافته شده تعیین می شود، بلکه پرده از گوشه و کنار تاریخ زندگی اجداد ما کنار زده می شود و آگاهی و آشنائی تاریخی امروزی ها از دیروز بیشتر می گردد.

– دانش باستان شناسی شما نتیجه تجربه و ممارست در کار است. این توضیح بیشتری درباره زندگیتان را ضروری می کند.

گفتم که از کودکی به کار احیاء آثار باستانی و عتیقه علاقمند شدم. در سال ۱۳۱۲ ه.ش یک گروه باستان شناس امریکایی، به سرپرستی دکتر «اریک اشمیت» به ایران آمدند. این هیئت از طرف موزه شیکاگو برای جستجو و حفاری در اطراف «شهری» و «چشمه علی» مأموریت داشت. «پیرامون بزرگ» مرا برای همکاری با این هیئت معرفی کرد و از این جا کار عملی من به طور جدی شروع شد. کار حفاری این هیئت دو سه سال طول کشید. آثاری که به دست می آمد، به وسیله ی من تعمیر دوباره سازی و احیا می

ت. ۲- تصویری از لیوان موزاییک، مارلیک، مرمت شده توسط محسن پیرامون

شد. پس از این مأموریت هیئت باستان شناسی دکتر اشمیت راهی تخت جمشید شد. به اصرار آن ها من هم همراهی شان کردم. در تخت جمشید کار من زیاد و تقریباً شبانه روزی بود. می توان گفت که من به طور عملی به اعماق تاریخ سفر کردم و زندگی نیاکانم را دیدم و شناختم. به دنبال این تجربه ها و آشنائی ها بود که به سال ۱۳۱۶ ه.ش در اداره ی باستانشناسی رسماً به کار مشغول شدم.

– بیشتر اشیاء عتیقه و باستانی که به وسیله شما تعمیر و احیا شده، چه نوع بوده است. پارچه ای، شیشه ای، سفالین، یا انواع دیگر؟

قسمت عمده ی اشیاء مکشوفه سفالین است، چرا که ساختن ظروف و سایر مایحتاج روزمره زندگی از سفال در ازمنه خیلی قدیم آسان تر بود، اما اشیاء یافته شده تنوع و گسترش زیاد دارد. گاهی به پارچه ای بر می خوریم که بیش از ۱۰۰۰ سال از عمر آن می گذرد یا استخوان عاجی می یابیم که به ۱۵۰۰ سال قبل تعلق دارد. در واقع بیشتر وسایل امروزی مانند چوب و سنگ و مفرغ و چرم و طلا و جواهر و غیره از قدیم وجود داشته و آثاری از این گونه بسیار به دست می آید.

– اشاره کردید آثار مکشوفه گاهی شامل پارچه هایی می شود که عمر آن به ۱۰ قرن می رسد و یا اشیائی که به هزاران سال پیش تعلق دارند. آیا این اشیاء بعد از زمانی چنین طولانی هنوز شکل و فرم خود را حفظ کرده اند؟





بود، خارج کردم و بعد به وسیله مواد شیمیائی آن را به صورت مومیائی در آوردم. این مومیائی در حالی که شکل ظاهری قندان را به طور اصیل نگه می داشت، به آن استحکام نیز می بخشید.

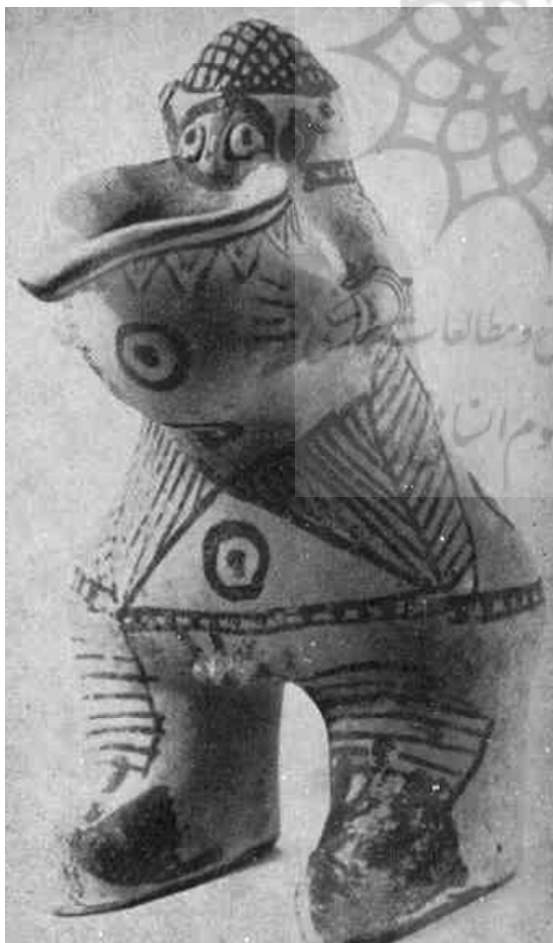
– جالبترین آثار باستانی و عتیقه ای که به وسیله شما تا کنون مرمت و احیا شده کدام ها هستند؟

در کار باستان شناسی همه چیز جالب و قابل توجه است. یک سکه ناچیز، یا یک سفال بی مقدار، وقتی از زیر خروارها خاک بیرون کشیده می شود، حکایت نسل و تمدنی را بازگو می کند. کوچک ترین و کم مقدارترین مکشوفه باستانی، با خود اثری از گذشته های بسیار دور و مردم قرون زیاد رفته دارد. به همین جهت همه آن چه که به دست من ساخته و پرداخته شده برایم جالب است، همه آن ها به سهم خود جزئی از گنجینه و میراث ملی ماست.

– اما بهر حال پاره ای از این آثار بیشتر وقت شما را صرف خود کرده و یا جاذبه و لطف و افسون بیشتری برای تان داشته است.

در حفاری های چراغ علی تپه (مارلیک) یک لیوان موزائیک به دست آمد، در واقع لیوان نبود شبیح و

اگر به پارچه ای که ۱۰ قرن پیش ساخته شده دست بزنیم خاک می شود، یا آن قطعه عاج که ۱۵۰۰ سال است دفن شده، با اندک تماس دست غبار می گردد و به کلی از میان می رود. اشکال کار ما هم در همین جاست. بسیاری از اشیائی که در حفاری های باستان شناسی به دست می آید قابل لمس نیست و ظرفیت این را ندارد که با شیئی خارجی تماس بگیرد. مثلاً دربارۀ همان پارچه بگویم. برای حفظ این پارچه ما نخست به وسیله بخار آن را نرم می کنیم تا خودش را باز کند. بعد با حوصله و صرف ساعات زیاد زوائد و اشیاء خارجی را که به خورد پارچه رفته از آن جدا می کنیم، سپس با استفاده از داروهای شیمیائی مخصوص، نقش های مرده و رنگ و روی رفته پارچه را دوباره تجدید می کنیم. مثلاً چندی پیش در حفاری های «گرمی» (آذربایجان) قندان چوبینی پیدا شد که به دوره اشکانی تعلق داشت، یعنی نزدیک به دوهزار سال از عمر آن می گذشت. چوب این قندان چنان پوسیده بود که تنها کافی بود نسیمی بر آن بوزد یا اشاره ای با انگشت به آن شود تا به کلی متلاشی گردد. چند روز طول کشید تا یکایک مواد خارجی، سنگ ریزه و خاک هایی را که به خورد قندان رفته



ت. ۳- تصویر قبل و بعد از تعمیر مجسمه سفالی مکشوف از منطقه لرستان که توسط محسن پیرامون تعمیر گشته است.

بازمانده یک لیوان بود. بزرگترین قطعه اش به نیم بند انگشت نمی رسید. من روی این لیوان روزها و شب های زیادی کار کردم. وقتی این کار شروع شد، همه گفتند که زحمت بیهوده می کشم، اما وقتی لیوان از زیر دستم بیرون آمد، همه حیرت کردند. بی آنکه در آن دست کاری کرده باشم، با همان لطف و اصالت خاص دوباره زنده شده بود. در حقیقت آن را از هیچ دوباره ساختم و...

### پی نوشت:

- ۱- از آن قبیل عبارتند از: معصومی، غلام رضا، «شمه ای از پیشینه باستان شناسی ایران و اقدامات انجام شده در ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی»، مجله ی بررسی های تاریخی، سال یازدهم، ش ۳، مرداد - شهریور ۱۳۵۴، صص ۱۳-۶۵ همان، ش ۴، مهر - آبان ۱۳۵۴، صص ۱۳-۶۶ همان، ش ۵، آذر - دی ۱۳۵۴، صص ۱۳-۷۷ هنر فر، لطف الله، (۱۳۴۴) «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» چاپ اول اصفهان: انتشارات ثقفی، ص ۸۴۲ نگهبان، عزت الله؛ (۱۳۷۶) «مروری بر ۵۰ سال باستانشناسی در ایران» تهران: میراث فرهنگی، نوبت اول، صص ۲۷-۳۷ و...
- ۲- رک به: گریشمن، تینا (بهار و تابستان ۱۳۸۶) «مرمت آثار باستانی در هنگام کاوش های باستانشناسی»، مترجم: فریبا مجیدی، دو فصلنامه ی تخصصی مرمت اشیاء فرهنگی و بناهای تاریخی، سال اول، ش ۲، صص ۱۷-۲۲
- ۳- از مهم ترین منابعی که می تواند در این راه بسیار مفید واقع شود اسناد چاپی و نوشتاری، از قبیل نشریات و روزنامه ها و دیگر مدارک تاریخی در طی نیم قرن اخیر می توان برشمرد.
- ۴- (اسفند ۴۷ و فروردین ۴۸)، «محسن پیرامون» مجله هنر و مردم، دوره ی ۷، ش ۷۷-۷۸، صص ۶۰-۵۷
- ۵- نکته جالب توجه دیگر در انتصاب واژه های «وصال» و «وصالی» به این اشخاص است که امروزه با واژه های «مرمتگر» و «مرمت» جایگزین شده اند. شاید بررسی چنین نکته های در اسناد تاریخی مرمت در راستای دیگر زمینه ها در روند تدوین واژه شناسی مرمت ایران می تواند بسیار با اهمیت باشد. در همین راستا در مرمت ابنیه در گزارشات مرمت دهه ی ۵۰ ه.ش اصفهان از واژه های تعمیرگر برای مرمتگر ابنیه و متخصص تعمیرات بدنه برای مرمتگر تزئینات استفاده شده است. این امر جای بررسی های بسیاری دارد.
- ۶- دکتر جاوید فیوضات به مدت چهار سال به صورت متداوم از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۴۹ ه.ش در رابطه با مرمت آثار و اشیا تاریخی مقالاتی را در مجله-ی هنر و مردم به چاپ رسانده است.
- ۷- احتمالاً منظور موسی پیرامون است.

### منابع:

- ۱- مصاحبه با محسن پیرامون، (۱۳۴۷) هنر و مردم، دوره ی ۷، ش ۷۷-۷۸
- ۲- نگهبان، عزت الله؛ (۱۳۷۶) «مروری بر ۵۰ سال باستانشناسی در ایران» تهران: میراث فرهنگی، نوبت اول



ت. ۴- یک ظرف سفالی که توسط محسن پیرامون تعمیر شده است.